

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست سعید مرتضوی باید دستگیر و محاکمه شود این قاتل حرفه ای " بسته تشویقی" جمهوری اسلامی برای دولتهای غربی است

سعید مرتضوی، دادستان تهران از چهره های "برجسته" و "شناخته شده" خسونت و آدم کشی اسلامی، از روز دوشنبه 19 ژوئن برای شرکت در اجلاس حقوق بشر سازمان ملل، به ژنو آمده است و قرار است تا روز 22 ژوئن، پایان برنامه های این اجلاس در ژنو باشد. آمدن مرتضوی به ژنو و شرکتش در اجلاس حقوق بشر سازمان ملل نه اتفاقی است و نه بدون توافق و ساخت و پاخت مقابل!

سازمان ملل و حقوق بشرش به خوبی میدانند که میهماندار قاتل زهرا کاظمی، مجری و یکی از طراحان قتلهای زنجیره ای، میزبان یک تروریست و جنایتکار حرفه ای هستند. این سفر را کسانی طراحی کرده اند که از این طریق میخواهند با پاشیدن خاک به چشم مردم ایران در سفره این آدمکشان حرفه ای چیزی بگذارند.

سفر سعید مرتضوی حلقه ای در معاملات و بده بستانهای دیپلماتیک غرب با جمهوری اسلامی، اتفاقی در ادامه کمپین اتمی، جنگ و عقب و جلو رفتن های دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران است. در بستر این دیپلماسی اگر شستن دستان خون آلود مرتضوی، کنار زدن مردم از محاکمه همه جنایتکاران، و جلوگیری کردن از هجوم مردمی که دستانشان از کیفرخواست جنایات این جانیان پر است، لازم باشد، دولتهای غربی همیشه آماده اند که به قیمت قربانی کردن مردم ایران "این بها" را بپردازند. نباید اجازه داد که کیفرخواست های مردم از همه جنایتکاران و از جمله جانی شناخته شده ای چون مرتضوی، را قربانی بده بستان های بین دولتی، دول غربی با جمهوری اسلامی کنند.

مردم آزادخواه!

اجازه ندهید که شما را از خواست محاکمه کردن تروریستهای اسلامی دور کنند. اجازه ندهید که با بردن و آوردن امثال مرتضوی برای این آدمکشان آبرو جور کنند. هیچ کس به اندازه شما مدعی رژیم اسلامی و شاکی عوامل این حکومت فاشیستی نیست. نباید اجازه داد که مسیر پیشروی مردم علیه قاتلین فرزندانیشان را سد کنند. باید کاری کرد که امثال مرتضوی جرات ظاهر شدن در هیچ مجمع و مرجعی که حتی ریاکارانه بر خود نام حقوق بشر داده است، نداشته باشد. باید در مقابل این وجهه خریدن ها و معاملات

ادامه در صفحه 2

در صفحه 4

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### کنگره اول حزب در ماه اکتبر برگزار میشود



### صلاح محمدی فعال کارگری و چهره محبوب

### مردم شهر سقز جان باخت!

**خالد حاج محمدی** کارگران ساختمانی، تشکل سراسری

کارگران علیه بیکاری، کمیته برگزار

کنندگان اول مه، کانون دفاع از حقوق کودکان و جامعه حمایت از

زنان در شهر سقز رفیقی پرشور و توانا را از دست دادند. قلب

رفیقی پرسابقه در جنبش کارگری ایران از تپش باز ایستاد. روز سه

شنبه ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ ساعت ۳ بعد از ظهر صلاح محمدی چهره

محبوب و خوشنام مردم سقز در سن ۳۵ سالگی درگذشت. هزاران نفر از مردم سقز و

شهرهای دیگر خبر مرگ صلاح محمدی را شنیدند و همگی داغدار شدند. روز شنبه ۱۷

ژوئن صلاح محمدی در جاده سقز سنجج بر اثر تصادف اتوموبیل زخمی

ادامه در صفحه 3

مصطفی اسد پور

کاهش دستمزدها - دعوت به نبرد!

در صفحه 2

### مژده به قومپرستان و حامیان آن!

مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی در مجلس اسلامی تصویب میشود.

محمود قزوینی

جنبش قومگرایی، قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی را به قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات اسلامی افزود. قانون مجازات توهین به مقدسات قومی در مجلس اسلامی تحت بررسی است و در روزهای آینده تصویب میشود. این قانون چند ماده الحاقی به قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات اسلامی است. مجلس اسلامی و کل رژیم جمهوری اسلامی بر روی این طرح اتفاق نظر دارند. برای جمهوری اسلامی هیچ هدیه ای بهتر از این نبود که در مقابل خواست مردم و مبارزه گسترده آنها برای آزادیهای سیاسی و اجتماعی و آزادی بیان و برای سرکوب بیشتر آن به مطالبه جنبش قومگرایی و جنبش ملی اسلامی و چپ سنتی مبنی بر " توهین به مقدسات قومی ممنوع" چنگ بیاندازد.

قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی در مجلس اسلامی تصویب میشود و قانون جمهوری اسلامی خواهد بود. اما این محصول مشترک رژیم اسلامی و جنبش قومگرایی و حامیان آن در اپوزیسیون راست و چپ سنتی ایران است.

فصل الحاقی "مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی" موارد بسیار گسترده ای از ابراز بیان را در بر میگیرد که در یک فصل به نام "توهین به فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع قومیتها" به قانون "مجازات توهین کنندگان به مقدسات اسلامی" افزوده شده است.

در ماده 730 آمده است " هر کس علنا نسبت به اقوام ایرانی و فرهنگ، زبان و آداب و رسوم مشروع و قانونی آنها توهین نماید، حسب مورد به سه ماه تا سه سال حبس محکوم می شود." و ماده های گوناگون آن به عرصه های مختلف ابراز بیان پرداخته است و مجازات هایی برای آن تعیین نموده است. این عرصه ها از وبلاگ ها تا روزنامه ها، نشریات، کتابها، نتاخر، سینما و کارهای هنری دیگر را در بر میگیرد.

این تعرض جمهوری اسلامی محصول جنبش قومی است که هفته های گذشته در شهرهای آذربایجان و در برخی از شهرهای دیگر قدرتمانی کرده است. جنبش اسلامی و جنبش قومی هر دو در مقابل خواستها و مطالبات آزادخواهانه و برابری طلبانه مردم قرار

ادامه در صفحه 3

سپردنش، برای تقویت سنگر جنبش سرنگونی مردم در خارج کشور، برای خنثی کردن سناریوها و ساخت و پخت با رژیم اسلامی به مبارزه زیر پرچم آزادی و برابری فرامیخواند.

### مرگ بر جمهوری اسلامی

### زنده باد آزادی و برابری

### حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

20 ژوئن 2006 - 30 خرداد 1385



مصطفی اسد پور

جمهوری اسلامی در سرکوب و پراکندگی کارگران است. در نگاه داشتن اسانلو در زندان است. در پراکنده نگاه داشتن هزاران اعتصاب اجتماع اعتراضی روزمره کارگران در مراکز کارگری است. کار و کارخانه تنها به تلنبار نفرت و بیزاری کارگران میافزاید. در چنین شرایطی جنبش برای وقیحانه و جنایتکارانه رژیم از بخور و نمیر کارگران علی القاعده باید بازی با آتش و خودکشی بحساب میامد. دستمزدها سنگری است که میتواند موجب وحدت گسترده میان اعتراضات کارگری شود. دیگر بس است. ۲۶ سال مهلت بس است. پول هست. برای همه و همه چیز هست. بجز دستمزد کارگران. اگر دولت فائقه نمیتواند باید زحمت را کم کند. کارگر انسان است و این آخرین خاکریز دفاع او از حداقل موجودیت انسانی اوست.

دولت خود، جنگ بر سر تعیین دستمزد را به فصل دیگری از سال کشانده است. پیش بسوی مجامع عمومی برای اعلام خواستها و مطالبات کارگری در همین زمینه!

کاری کرد که این آدمکش حرفه ای را روانه دادگاه های جنایی کرد. باید نیروهای سیاسی و مردم را متوجه سناریو و بسته های تشویقی کرد که شرط عملی کردن آنها، شرط تضمین آنها عقب راندن مردم است.

مردم ایران از خواست سرنگونی این نظام، در هم شکستن ماشین تروریسم اسلامی و دستگیری و محاکمه سران آن عقب نمی نشینند. حزب حکمتیست همه آذینخواهان را به مبارزه بر علیه حضور این قاتل حرفه ای در ژنو، برای دستگیری و به محاکمه

طرف وزارت کار تمديد گرديد.

اقدام وزارت کار يك تعديل در رقم دستمزدها نيست. کاهش دستمزدهاست. يك دزدی آشکار و جیب بری در روز روشن علیه همه کارگران است. چیزی را به سفره کارگر اضافه نکرده، طلبکار ۳۰ هزار تومان یقه کارگران را گرفته اند. برای کارگران دخالت مجدد دولت باید به معنای دور جدیدی از بحث بر سر دستمزد باشد. مصوبه را به آغاز کشمکش و اینبار با سببه کارگر میتوان تبدیل ساخت. برای کارگر قراردادی، نه فقط ۱۸۰ هزار تومان وعده داده شده، بلکه دو برابر آنهم کافی نیست. کارگران رسمی هم باید با همین پرچم، به یکسان و متحدانه برای خود و برای قراردادی ها به میدان بیایند. چه در تمام این سالها و چه در اسفند ماه سال گذشته و چه در

مصوبه چند روز قبل، در همه این موارد تصمیم دولت در تعیین دستمزدها بدون دخالت نمایندگان آزاد و مستقیم کارگران باید فاقد هر گونه رسمیتی اعلام گردد.

کشمکشهای اخیر بعلاوه برای طبقه کارگر شامل زنگ خطر و بازگویی واقعیات مهم در زندگی آنها بود. شرایط بغایت دشوار کارهای قراردادی تیشه به ریشه امکان اتحاد و سنگر بندی کارگران زده است. کارگران از ساده ترین امکان دفاع از خود محروم مانده اند. جمهوری اسلامی و سرمایه داران دندان طمع به شرایط هنوز بسیار دشوارتری نیز کرده اند.

نباید فراموش کرد رمز قدرت

رو کنیم. ما اعلام میکنیم که سعید مرتضوی باید فوراً دستگیر و به جرم جنایت علیه بشریت محاکمه شود. سعید مرتضوی دهها هزار نفر شاکي خصوصي دارد. دولت سوتیست که کارچاق کن این دوره "معاملات هسته ای" ایران است، باید بداند که شریک سیاستهای رژیمي است که روی دریایی از نفرت و خشم مردم ایران به ضرب زندان و چماق خود را سر پا نگه داشته است.

باید به این ساخت و پاخت سیاسی اعتراض کرد. آن را رسوا کرد. باید

چهار ماه اخیر، در فاصله دو مصوبه دولت بر سر دستمزدها، جامعه ایران شاهد یکی از سخیف ترین حملات به طبقه کارگر بوده است. تورم افسار گسیخته، دستمزدهای فکسني و همیشه معوق کارگران، فقر و کار شاق در محیطهای کار و محرومیت از هر گونه حقوق ابتدایی بیکناره به کنار گذاشته شد. موج جدیدی از اخراجها دامن مراکز کارگری را گرفت. دستمزد صدها هزار کارگر پرداخت نگردید. همزمان کارگر پر توقع و پر خرج و دستمزد بالای آنها موجب اخلال در چرخ صنعت و تولید جلوه داده شد. کارفرمایان در معیت خیل تازه بدوران رسیده ای از "کارشناسان اقتصادی"، نمایندگان مجلس و دولت براه افتادند و حق بجانب با تهدید اخراج و تعطیل مراکز تولیدی به گروکشی از کارگران پرداختند.

مصوبه جدید دولت در واقع بدنبال تثبیت تعرض به کارگران است. تورم افسار گسیخته عملاً از کل وعده های افزایش دستمزد اثری بجا نگذاشته است. اعتراض و خشم گسترده کارگران علیه دستمزدهای پرداخت نشده و علیه اخراجها راه بجایی نبرد. حمله سرمایه داران و دولت اسلامیشان کارگران را عقب رانده و مصوبه مورد بحث تثبیت موقعیت دشوار کارگران در دریافتی ها، در تامین شغلی، در بیمه ها و مزایای پایه ای، و در حق تشکل و اعتراض را تعقیب میکنند. در همین فاصله بار دیگر تبصره مشهور و جنگلی ۱۹۱ مبنی بر بیرون ماندن کارگران کارگاههای زیر ده نفر از شمول قانون کار، بدون سر و صدا از

که به قیمت پایمان کردن حق مردم ایران برای محاکمه همه سران رژیم در جریان است، ایستاد و اجازه نداد که مرتضوی به سلامت به نام مردم ایران از این اجلاس به آن اجلاس سفر کند.

سعید مرتضوی و همه جنایتکاران و قاتلین مردم، باید در محضر مردم ایران محاکمه شوند و پاسخ گوی جنایاتشان باشند.

نباید اجازه بدهیم! دست همگیشان را

## کاهش دستمزدها . دعوت

### به نبرد

بنا به بخشنامه وزارت کار دستمزد کارگران کاهش پیدا کرد. ردالت پیشگی این رژیم نسبت به طبقه کارگر حد و مرزی نمیشناسد. بنا به مصوبه جدید، حداقل دستمزد کارگران قراردادی بجای ۱۸۰ هزار تومان به میزان ۱۵۰ هزار تومان تعیین شد. در اسفند ماه گذشته شورای عالی کار رژیم حداقل دستمزد برای کارگران رسمی و قراردادی را بترتیب ۱۵۰ و ۱۸۰ هزار تومان معین ساخته بود. چهار ماه میان عوامل رژیم در وزارت کار، خانه کارگر، مجلس و کارفرمایان طولش دادند و باز هم به ضرر کارگر قائله خاتمه پیدا کرد.

سال ۸۴ را کارگران بدون افزایش دستمزد سپری ساختند. مصوبه رژیم در سایه دولت "عدالت گستر" احمد نژاد میزان ناچیزی، حدود ۲۵ هزار تومان در ماه، را به سفره کارگران میافزود. همین مصوبه برای کارگران قراردادی میزان ۳۰ هزار تومان دیگر را نیز در نظر گرفت. این اقدام جهت جبران محرومیت کارگران قراردادی از مزایای کارگران رسمی صورت می گرفت. نرخ افزایش دو رقمی به موضوع اختلاف و بهانه گیری تبدیل شد. بیش از هر چیز کشمکش حول افزایش دستمزد کارگران قراردادی که ۸۰ درصد کارگران شاغل را در بر میگیرد، حدت یافت.

میشدند، صلاح محمدی همراه صدها انسان برابری طلب در دفاع از کارگران و دانشجویان کوچه و خیابان و دانشگاه و مرکز کار را برای جلب حمایت از آنها بیوقفه تلاش مینمودند. صلاح محمدی به همه این مردم تعلق داشت. محبوبیت او از انساندوستی عمیق و خالصانه او نشأت می گرفت. تلاشی خستگی ناپذیر در دفاع از انسانیت، آزادی و حقوق حقه مردم زحمتکش و بر علیه رژیم اسلامی سرمایه داران در ایران نام او را در قلب و خاطرات مردم بسیار زنده نگاه میدارد. پر کردن جای خالی صلاح، با همه خصوصیات دوست داشتنی وی، با تجارب و توانایی هایش برآستی امری دشوار است.

۲۸ ماه مه بود که متأسفانه انور محمدی برادر دیگر صلاح نیز در تصادف ماشین جان باخت. صلاح دومین نفر از این خانواده است که در مدت زمان کوتاهی جان خود را از دست داده است. این واقعه جانکاه، سنگین و ناعادلانه است. در این روزهای سخت خود را همراه بازماندگان این فاجعه میبینم.

20 ژوئن 2006

اینجا از طرف تشکیلات سقز حزب حکمتیست مرگ صلاح محمدی را به همسر و کودکان او، به مادر گرامیش، به رفقای عزیزم محمد محمدی، فاطمه



مفدسات قومی یک معنی کوچک تحرک قومی است. اگر جنبشهای دیگر اجتماعی نتوانند فضا را از دست جنبش قومگرایی خارج کنند و این جنبش به حرکتش ادامه دهد، معنای وسیع جنبش قومی مادیت میابد. آنوقت تحرکات قومی به جنگها و نزاعهای قومی خواهد انجامید که در یوگسلاوی و رواندا و ... شاهدش بودیم. ایران فردا، عراق امروز خواهد شد. اگر جنبش اسلامی تروریسم و کشتار و جهنم اسلامی را به ارمغان آورد، جنبش قومی یگراسر جهنمی چون رواندا و عراق را برای مردم به ارمغان میآورد. جنبش اسلامی و جنبش قومی میتوانند جهنم اسلامی در ایران را به جهنمی سیاه تبدیل کنند و آن را به قعر سیاه جهنم فرو ببرند. در جایی مانند رواندا و نزاع بر سر قره باغ که همسایه شکم همسایه را به جرم اینکه از قوم و قبیله و مذهب دیگر است میدرند.

راه اجتناب از این جهنم سیاه، قوی بیرون آمدن جنبش آزادی و برابری، جنبش زنان، جنبش کارگران، جنبش جوانان و ... است. جنبشی که انسانها را جدا از هویت قومی و مذهبی و ملی آنها به میدان میآورد. جنبشی که در آن ترک، کرد، بلوچ، فارس و ... معنا ندارد و انسان و حقوق و آزادیهای انسانی محور است. راه اجتناب از سناریوی یوگسلاوی و عراق و رواندا، سرنگونی جمهوری اسلامی توسط این جنبشها و پیروزی این جنبشهاست. پیروزی که بر پرچم آن شعار آزادی و برابری حک شده است.

میان مردم به منتسب قومیهای مختلف بالا میگیرد، بلکه مردم و زنان و جوانان در خیابانها به دلیل پوشش غیر قومی مورد تعرض قرار میگیرند.

تصویب قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی یکی از مطالبات جنبش قومی بود که هفته های گذشته در جریان داشت. هر قدم پیشروی جنبش قومی به معنی پیشروی بیشتر یک جریان ارتجاعی در مقابل جنبش آزادیخواهانه و مدرن، جنبش کارگران و زنان و جوانان و ... است که جنبش های متحد کننده مردم، جدا از مذهب و قومیت و ملیت شان هستند. نباید گذاشت به گردن مردم طوق قومی آویزان کنند. باید در مقابل جنبش قومی جنبش کارگران، جنبش زنان، جنبش جوانان، جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی، جنبش آزادی بی قید و شرط بیان و ... به میدان آورد.

نیروهایی که در زیر هر عنوانی مردم را به شرکت در حرکت قومی دعوت میکردند، باید افشاء شوند. به جز جریانات قومی و دولت آمریکا و سوپر ناسیونالیستهای ترک در دولت ترکیه و آذربایجان که مستقیماً در این جریان دست داشته اند، جریانات پوپولیستی ناسیونالیستی چپ که بیماری قومگرایی در آنها با هر حرکت قومی عود میکند و پدیدار میشود، باید به طور مستمر افشاء شوند.

باید در مقابل تعریف قومی مردم ایستاد و نگذاشت مردم را به عنوان قوم و قبیله به میدان آورند. جنبش قومگرایی مردم را به نام قوم و ملت ترک، کرد، بلوچ، فارس، ترکمن و ... به میدان میآورد و زیر عنوان حقوق ملی و قومی آنها را جمع میکند و جریانات گوناگون چپ سنتی از اکثریت و راه کارگر تا حزب کمونیست کارگری- هخانی ... با دایره و دنیکی به دور مردمی که با پرچم قومی به میدان آمده اند میرقصند و برای حل " مسئله ملی " سینه میزنند. قانون مجازات به توهین کنندگان

مجازات را دارد. هزاران نفر در دهه 60 فقط با سوال اینکه به اسلام اعتقاد دارید یا نه تیرباران شدند. توهین به مقدسات اسلامی و اسلام چتر فراگیر هرگونه سرکوبگری در ایران بوده است. روزنامه واقعا منتقد اسلام و مقدسات اسلامی و نظام اسلامی فقط بسته نمیشود، بلکه نویسندگان و ناشران و خوانندگان روزنامه به اشد مجازات میرسند. حتی خواننده روزنامه منتقد مقدسات اسلامی باید پیه زندان طولانی و شکنجه و حتی اعدام را به تن خود بمالد، چه برسد به مسئولین و نویسندگان و ناشران چنین روزنامه ها و نشریاتی.

با به میدان آمدن جنبش قومگرایی در دور اخیر در آذربایجان که کل جنبش قومی در ایران را به حرکت واداشت، مقدسات قومی هم به مقدسات اسلامی افزوده شد. از این به بعد سرکوب آزادیهای سیاسی و اجتماعی و سرکوب آزادی بیان نه تنها تحت عنوان توهین به مقدسات اسلامی مجازات میشود، بلکه توهین به مقدسات قومی هم به آن افزوده شد. نقد آداب و رسوم فرهنگ عقب مانده در جمهوری اسلامی همیشه به شدت سرکوب میشده است. این چیز جدیدی نیست. جدید این است که رژیم اسلامی برای سرکوب جنبش های مدرن و آزادیخواهانه در ایران به یک تکیه گاه دیگری نیز دست یافته است.

نقد فرهنگ و آداب و رسوم عقب مانده اسلامی و یا قومی و مبارزه بر علیه آن یک پایه مهم جنبش مدرنیستی و آزادیخواهانه ای است که امروز در ایران در جریان است. جنبش زنان، جنبش جوانان، جنبش سکولاریستی، جنبش ضد مذهبی و ... همه دارای پایه مدرنیستی هستند و در مقابل فرهنگ اسلامی و قومی قرار دارند. قانون مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی، یک امکان دیگر برای سرکوب این جنبش های آزادیخواهانه و مدرنیستی است. در صورت قوی شدن جنبش قومی، نه تنها دشمنی و نفرت

**مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی در مجلس اسلامی تصویب میشود.**

ادامه از صفحه 1

دارند. تقویت هر کدام از آنها با از دست دادن حقوق مردم و سرکوب آنها همراه است.

در هفته های گذشته قومگرایان، نویسندگان و روشنفکران عقب مانده که با مقدسات ملی و اسلامی پرورش یافته اند، نمایندگان مجلس اسلامی، خامنه ای و احزاب اپوزیسیون راست و تقریباً همه احزاب چپ به جز حزب حکمتیست، خواهان مجازات توهین کنندگان به مقدسات قومی بوده اند.

همه احزاب اپوزیسیون به جز حزب حکمتیست به پشتیبانی از جنبش قومگرایی در آذربایجان برخاستند. صدها نویسنده و روشنفکر علیل الفکر طی توماری توهین به مقدسات ملی و قومی را محکوم کردند و از جنبش قومگرایی حمایت کرده اند.

جمهوری اسلامی ندای این جنبش و حامیان آن را شنید. جمهوری اسلامی ندا و مطالبه قومپرستان، احزاب گوناگون چپ و راست را مبنی بر اینکه توهین به قومیت، توهین به انسانیت است و نباید جایز باشد را شنید و به آن جامه عمل پوشاند.

قانون مجازات به توهین کنندگان به اقوام ایرانی که دارد توسط مجلس اسلامی بررسی و تصویب میشود تازه از نتایج سحر جنبش قومگرایی است. خود جنبش قومگرایی در سرکوبگری از جنبش اسلامی نه تنها دست کمی ندارد، بلکه مانند آن در سرکوبگری، خشن و بیرحم است. قدرتمند شدن بیشتر جنبش قومگرایی، هرگونه نقد فرهنگ و آداب و مقدسات عقب مانده قومی را بشدت سرکوب میکند و قوم الله مانند حزب الله در خیابان افراد خاصی را به اشد مجازات میرساند.

تاکنون جمهوری اسلامی سرکوب مردم را تحت عنوان توهین به مقدسات اسلامی انجام داده است. توهین به مقدسات اسلامی اشد

و به بیمارستان سندانج انتقال یافت. متأسفانه بعد از سه روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ صلاح جان باخت. در این سه روز موجی از نگرانی مردم سقز و هزاران نفر از مردم شهرهای دیگر را که صلاح را میشناختند فرا گرفته بود. برای بیشمار دوستان و همزمان و خانواده صلاح متأسفانه پایان این انتظار جانگاز جز به مرگ صلاح نینجامید.

صلاح محمدی عضو هیئت موسس تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری، از بنیانگذاران کانون دفاع از حقوق کودکان و جامعه حمایت از زنان در شهر سقز بود.

سالها تلاش صلاح محمدی در جبهه های مختلف نبرد علیه فقر و بی حقوقی و بی حرمتی که به انسان روا میدارند از کسی پوشیده نبود. کارگران ساختمانی سقز به جلسات خود جهت ایجاد سندیکای کارگران ساختمانی و بنایان دعوتش میکردند و زبان حال آنان بود. کارگران سقز در مراسم اول مه ۱۳۸۳ که

مورد هجوم پلیس قرار گرفت صلاح را به عنوان یکی از نمایندگان خود در کمیته برگزاری اول مه داشتند. کارگران شاغل و بیکار شاهد تلاش او برای اتحاد کارگر شاغل و بیکار علیه بیکاری بودند. زنان و مدافعان حقوق زن در سقز و شهرهای دیگر او را همیشه در اعتراضات خود و در تلاشهای خود علیه بربریت حاکم و علیه آپارتاید جنسی داشتند. مدافعان حقوق کودک در دفاع از کودکان و حقوق انسانی پیامها شده خود صلاح محمدی را در کنار خود داشتند. مردم مناطق زحمتکش نشین سقز صلاح محمدی را در اعتراض خود علیه حمله شهرداری برای خراب کردن آونکهایشان، تا اعتراض برای بهداشت و آب و برق محل، با خود داشتند.

زمانی که کارگران خاتون آباد مورد هجوم مزدوران رژیم قرار داشتند، زمانی که خیل اوباش اسلامی علیه کارگران شرکت واحد صف کشیده بودند، زمانی که سرکوبگران رژیم علیه دانشجویان و جهت حمله به دانشگاهها آماده

ادامه در صفحه 2

**مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!**

## سی خرداد 60، روز تولد جمهوری اسلامی، روز اعلام کیفرخواست بشریت

ها، قزل حصارها و اوین ها، شاهدان این هالوکاست عظیم اسلامی اند. مردم آزادیخواه!

قربانیان و بازماندگان این نسل کشی را نباید فراموش کرد. این ها شاهدان و شاکیان یکی از تلخ ترین اتفاقات ضد بشری در جهان امروزند. باید در بیست و پنجمین سالگرد سی خرداد، یاد همه عزیزان قربانی این توحش، یاد همه جانبختگان راه آزادی و برابری را گرامی داشت و محبت و همدردی خود را نثار بازماندگان آنها کرد. باید همه کیفرخواست های این اتفاق را به میان کشید. جامعه بشری برای مصونیت در مقابل اتفاقاتی از این دست باید مصون بماند. یک راه ایجاد این مصونیت بازگو کردن، مکتوب کردن و اعلام کردن همه کیفرخواست قربانیان فاشیست های اسلامی است. جامعه بشری، مردم ایران بعلاوه و مهمتر از همه، باید مسبب این نسل کشی را به پای میز محاکمه بکشانند. باید مسئولین و مجریان قساوت عظیم اسلامی در ایران را، نفر به نفر در دادگاههای مردمی محاکمه کرد. جانیان باید پاسخگوی جنایاتشان باشند و مسئولیت جنایات عظیم خود را بعهده بگیرند.

در سالروز سی خرداد شصت، باید بار دیگر عزم خود را برای به زیر کشیدن و محاکمه سران رژیم اسلامی جزم کرد. همه، جامعه انسانی در سراسر جهان، باید بدانند که بر بخشی از پیکره بشریت، بر مردم ایران، بر نسل از پرشورترین جوانان، دختران گذشت! در سالروز سی خرداد شصت باید بار دیگر برای به زیر کشیدن فاشیست های اسلامی گرد پرچم خواستهای انسانی خود جمع شد و کار جنایتکاران را یکسره کرد.

گرامی باد یاد همه جانبختگان راه آزادی و برابری  
مرگ بر جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
19 ژوئن 2006 - 29 خرداد 1385

دستاوردهای انسانی انقلابشان، در همه جای ایران، سرکوب و به شکست کشیده شد. جنبش دفاع از دستاوردهای انقلاب و مقاومت مردم و جوانان از این پس به سنگر کردستان عقب نشست. مقاومتی که در کردستان تا 10 بعد در جنگ در همه ابعادش با رژیم اسلامی، ادامه یافت.

اما سی خرداد شصت، روز تولد جمهوری اسلامی و شکست انقلاب مردم، اتفاقی یک وجهی و یک جنگ و پیروزی "ساده" نبود. این مقطع یکی از دردناکترین و خونبارترین مقاطع تاریخ زندگی مردم ایران است. روزی که کودتای ضدانقلابی جریان اسلامی، به رهبری خمینی در معیت و شرکت همه معماران آن، لاجوری ها خامنه ای ها و سرورش ها و گیلانی ها و رفسنجانی و خلخالی ها و احمدی نژاد ها و دگر اندیشان و دوحرداری های امروز، یک نسل کشی تمام عیار در سراسر ایران را براه انداختند. مقطعی است که شالوده حکومتی که تا 25 سال بعد و تا به امروز، یک زندگی قرون وسطایی به میلیونها نفر در ایران را تحمیل کرد، پایه ریزی شد. ابعاد خسارات انسانی این اتفاق اما، بازگو نکردنی است.

روزهایی که در خیابانها و محل های کار، در زندانها و خانه های مردم، شب و روز، پیر و جوان، کودک و زن و مرد را در دسته های 10 نفره و 100 نفره از دم تیغ قضاوت اسلامی میگذراند. صدها هزار اعدام و شکنجه و لت و پار شده، از کسانی که به جرایم "سلح" بودن به نمک و فلفل، از جوانانی که فقط به خاطر در دست داشتن، یا احتمال در دست داشتن، یک برگ کاغذ از ادبیات مخالف، یا به خاطر یک "زبان درازی" در مقابل حمله اوباش حزب الهی، یا عضویت در یک سازمان چپی، یا پناه دادن به یک فراری از دستگیری، در دادگاههای خیابانی توسط اوباش حزب الهی و پاسداران اسلام، وحشیانه به رگبار بسته می شدند، یا در زندانها در تابوت ها و جهنم ها جسم و روانشان در هم کوبیده میشد. گورهای دستجمعی، لعنت آباد

دیکتاتوری شاه بود و نه حاصل "مذهبی و اسلامی" بودن جامعه و مردم ایران. جامعه و مردمی که در آن مقطع همانقدر "مذهبی" بودند که مردم در اسپانیا و ایتالیا در آن روز ها! واقعیت این است که جمهوری اسلامی یک دولت محصول انقلاب 57 نیست و مردم ایران هرگز مردمی خواهان یک جامعه مذهبی و حاکمیت اسلام نبودند.

جمهوری اسلامی، حاکمیت خمینی و حزب الله، محصول شکست خونین و تراژیک انقلاب عظیم و آزادیخواهانه مردم ایران در 72 سال پیش بود. انقلابی که یکی از "بائبات ترین" رژیم های دیکتاتوری جهان در یکی از "بهشتی ترین" جزایر سرمایه داری غرب را به نیروی میلیونها مردم، به نیروی پرشور میلیونها جوان انقلابی، کمونیست و آزادیخواه، به زیر کشید. انقلاب عظیمی که میرفت که علاوه بر دیکتاتور و ماشین دیکتاتوریش، تمام سازمان سرمایه و بنیاد بردگی مزدی در ایران را منهدم کند و بر ویرانه هایش یک نظام انسانی، سوسیالیستی، برابر و آزاد، بنا کند. این انقلاب شکست خورد.

رسالت سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب 57 را خمینی از شاه، و ولایت فقیه از سلطنت، تحویل گرفته بود. سی خرداد 60، روزی است که کار و رسالتی که رژیم شاه با کشتار 17 شهریور در سال 57 نتوانست به سرانجام برساند و مردم را به تسلیم و انقلابشان را به شکست بکشاند، جریان اسلامی به رهبری خمینی به اتمام رساند. انجام این رسالت دوسال بطول انجامید و سرانجام با کودتای ضدانقلاب امپریالیستی جریان اسلامی در سی خرداد 60، کامل شد. انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران شکست خورد و جمهوری اسلامی ایران بعنوان یک حکومت "مقتدر" و یک دست، متولد شد. سی خرداد شصت، روزی است که دوسال مقاومت پرشور و سراسری مردم، جوانان انقلابی و کمونیست، کارگران و کارکنان و زنان در دفاع از

در تاریخ حاکمیت 72 ساله جمهوری اسلامی، مقاطع، روزها، ماهها و سالهای خونین کم نیست. حکم جهاد خمینی در مرداد 58 و تیربارنها در کردستان، سی خرداد و نسل کشی در سراسر ایران، تابستان 67 و قتل عام زندانیان سیاسی در زندانها، ترورها و "قصابی های اسلامی" از نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور، قتل های زنجیره ای در ایران، و ... تنها مقاطعی از دریای عظیم عفونت و خونی است که رژیم اسلامی ایران سوار بر آن تسمه از کرده مردم ایران کشید.

در تاریخ جمهوری اسلامی در ایران آنچه که کیمیا است، لحظات "کم درد" و "کم جنایت"، روزها و لحظات "بی گناهی" مسئولین ماشین جنایت تمام عیار حاکمیت است. در میان رژیم های فاشیستی در تمام طول تاریخ بشر، و در میدان مسابقه کشتار و جنایت، جمهوری اسلامی بی تردید مرتبه "بالایی" دارد. در دل "هالوکاست های اسلامی" در ایران، سی خرداد سال 60 و اتفاقات آن روزها، اهمیت ویژه ای دارد. این اهمیت اما تنها از میزان خونی که به جامعه پاشیدند، از ابعاد نسل کشی و قتل عامها، و از میزان قساوت و توحشی که مرتکب شدند، ناشی نمی شود. هرچند که از این نظر هم سی خرداد سال 60 را تنها با آشوبتس نازیسم میتوان قیاس کرد.

در سی خرداد 60، یک رویداد تاریخی مهم اتفاق افتاد، رویدادی که شالوده و سنگ بنای جمهوری اسلامی ایران است. واقعه ای که زنده نگاهداشتن و یاد کردن از آن، نه تنها برای قربانیان آن واقعه و همه قربانیان قبل و بعد از آن، نه تنها به خاطر بازماندگان آن هالوکاست، که برای بشریت، ضروری است و درس های آموزنده دارد.

جمهوری اسلامی ایران نه محصول انقلاب 57 بود و نه نتیجه قیام 22 بهمن و اعتصابات محل کار و اعتراضات خیابانی. این رژیم نه محصول جنگ مردم ایران با رژیم

### اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### کنگره اول حزب در ماه اکتبر برگزار میشود

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در ماه اکتبر ۲۰۰۶ بطور علنی در کشور آلمان برگزار میشود. تعداد 150 نماینده از تشکیلاتهای مختلف حزب در کنگره شرکت خواهند کرد.

حزب از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری برای حضور در

این کنگره رسماً دعوت خواهد کرد.

از همه اعضا حزب میخواهیم برای اطلاع از پروسه انتخابات و کاندیداتوری و گرفتن برگه های اخذ رای با کمیته های تشکیلاتی مربوطه خود تماس بگیرند.

شرکت در این کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حضور یابند.

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری ایران

15 ژوئن 2006